

مسئولیت نقض حقوق بشردوستانه در منازعات مسلحانه داخلی

عبدالحمید رسولی

عضو کادر علمی پوهنشی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون دعوت

abdulhamidrasooli@gmail.com

چکیده

در این پژوهش تلاش صورت گرفته است که به مسئولیت نقض حقوق بشردوستانه در منازعات مسلحانه داخلی پرداخته شود. منازعات مسلحانه داخلی یک مسأله جدی جامعه بین المللی به شمار می‌رود. با وجودی که دولت‌ها و نهادهای معتبر بین المللی اقدامات جدی و لازمی را برای مهار این بحران انجام داده‌اند؛ اما عدم رعایت قواعد و حقوق بشردوستانه در سال‌های اخیر، تلفات انسانی بی شماری را در کشورهای در حال جنگ به بار آورده است. پرسش قابل بحث این است که چه کسی مسئولیت نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی را بدوش می‌داشته باشد؟ در پیوند به این پرسش می‌توان گفت که طبق اسناد بین المللی حقوق بشردوستانه؛ مسئولیت و نقض قواعد بشردوستانه را در یک جنگ داخلی و غیر بین المللی، اشخاصی دارا هستند که در رهبری کشور، فرماندهی نیروها و یا به حیث سرباز در میدان‌های نبرد، وظیفه پیشبرد عملیات نظامی را به دوش می‌داشته باشد و قواعد حقوق بشردوستانه را نقض می‌نمایند.

هدف این پژوهش، معرفی و مشخص ساختن مسئولین نقض قواعد بشردوستانه در منازعات مسلحانه غیر بین المللی می‌باشد که در برابر اعمال خلاف و نقض قواعد بشردوستانه مسؤول و جوابده خواهند بود. این پژوهش یک پژوهش تحلیلی-توصیفی بوده و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای انجام یافته است. به طور کلی نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، همان‌گونه که ناقضین قواعد بشردوستانه در مخاصمه بین المللی دارای مسئولیت هستند، برای ناقضین قواعد بشردوستانه در منازعه مسلحانه غیر بین المللی نیز مسئولیت مطرح گردیده است و مسؤول و جو ایده شناخته شدند.

کلیدواژه‌ها: منازعات مسلحانه، غیر بین المللی، نقض حقوق بشردوستانه، مسئولیت،

کرامت انسانی.

Responsibility for violations of humanitarian rights in internal armed conflicts

Abstract

In this research, an attempt has been made to address the responsibility of humanitarian rights violations in internal armed conflicts. Internal armed conflicts are considered a serious issue of the international community. Despite the fact that governments and international organizations have taken serious and necessary measures to curb this crisis; But the non-compliance with humanitarian rules and rights in recent years has caused countless human casualties in warring countries.

The debatable question is who was responsible for the violation of humanitarian rights in internal armed conflicts? In relation to this question, it can be said that according to international humanitarian law documents; The responsibility and violation of humanitarian rules in a civil and non-international war are held by the persons who are in charge of the country's leadership, commanding the forces, or as soldiers in the battlefields, who are responsible for carrying out military operations and they violate the rules of humanitarian rights. The purpose of this research is to introduce and identify those responsible for violating humanitarian rules in non-international armed conflicts, who will be responsible and answerable for violations and violations of humanitarian rules. This research is an analytical-in-depth research and data collection has been done in a library way. In general, the obtained results show that just as the violators of humanitarian rules are responsible in international conflict, the violators of humanitarian rules in non-international armed conflict are also held responsible and they are recognized as eternally responsible.

Keywords: armed conflicts, non-international, violation of humanitarian rights, responsibility, human dignity

Dawat
Academic
Journal

Fourth Year, Issue

9 (Winter 2024)

Received: 2024-03-10

Accepted: 2024-03-10

مقدمه

به رغم تلاش‌های فراوان جامعه جهانی و نهادهای معتبر بین‌المللی که به منظور محفوظ نگه داشتن جهان و انسان از بلای جنگ و مصایب آن، هنوز جنگ و منازعه مسلحانه به خصوص منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی یک واقعیت دردناک در زندگی بشر تا حال باقی مانده و در سال‌های اخیر حین وقوع چنین جنگ‌ها، تلفات زیاد انسانی و خسارات مادی در سطح جهان وارد گردیده است. این نوع مخاصمات، با طبیعت خشونت‌آمیزی که داشته و دارند؛ درکشتار، نابودی و ویرانی، حتاگاهی بر مخاصمات بین‌المللی هم پیشی گرفته اند و فجایی آن چنان تأسف‌انگیز است که ظالمانه‌ترین واقعیت دنیایی پس از جنگ جهانی دوم، به خصوص در دهه‌های اخیر لقب گرفته اند. لازم است تا نگاهی به نام برخی از کشورهای که دستخوش جنگ‌های داخلی، بحران و ویرانی بی‌شماری شده‌اند بی‌اندازیم. این کشورها مانند سیرالیون، رواندا، یوگوسلاویای سابق، سومالی، کلمبیا، نیکارگو، هایتی، سریلانکا، کامبوج، لیبیا، عراق، سوریه، یمن و افغانستان از مهم‌ترین نمونه‌های آن می‌باشد که بعد از از پایان جنگ سرد و به خصوص در دهه‌های پسین رخ داد، وحشت و زیان‌های ویرانگر بیش از حدی مادی و تلفات انسانی را به بار آورده است. از این که هدف حقوق بشردوستانه تأمین احترام به شأن والا و کرامت انسانی، تضمین حقوق اساسی بشر و به طور کلی تعمیم هنجارهای حقوق بشری به حقوق بین‌الملل ناظر بر منازعات مسلحانه و نیز تعقیب، محاکمه و مجازات جنایت‌کاران جنگی است؛ چنین پژوهش در شرایط امروزی برای حداقل کاهش و حشی‌گری در این نوع مخاصمات و تأمین عدالت، دارای اهمیت می‌باشد. از طرف دیگر، بهره بردن از اسناد معتبر بین‌المللی مانند اساسنامه محکمه بین‌المللی جنایی ۱۹۹۸ که مرتبط به جنایت جنگی در جنگ‌های داخلی می‌باشد و استفاده از کارکرد رویه‌های قضایی بین‌المللی به خصوص رای صادره محکمه یوگوسلاویای سابق به عنوان یک سند معتبر بین‌المللی که مخاصمات مسلحانه

داخلی را جرم انگاری نموده و در سطوح متعدد، مسؤولیت‌ها و مویدات را پیش‌بینی نموده است، براعتبار و اهمیت این تحقیق می‌افزاید.

سوال اصلی قابل بحث در این بحث چینی مطرح می‌گردد: چه کسانی مسؤولیت نقض قواعد بشردوستانه در منازعات مسلحانه غیر بین المللی را دارا می‌باشند؟ طبق اسناد بین المللی حقوق منازعات مسلحانه، ناقضین حقوق بشردوستانه به خصوص ناقضین کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ آن و سایر اسناد بین المللی حقوق بشردوستانه در یک منازعه مسلحانه داخلی فرماندهی و افراد زیر دست آنان مطرح شده می‌تواند. یا به تعبیر دیگر اشخاصی که در منازعات مسلحانه غیر بین المللی دخیل هستند، در نقض قواعد بشردوستانه سهم و شریک می‌باشند. آنان یا خود مرتکب نقض قواعد بشردوستانه شده‌اند و یا در راستای جلوگیری از نقض فاحش حقوق بشردوستانه سهل انگاری نموده‌اند. با در نظر داشت طرح مسأله، موضوع، سوال و فرضیه‌های مطرح شده، این تحقیق را می‌توان گفت که از نوع تحقیق تاریخی توصیفی می‌باشد که داده‌ها به شکل اسنادی و کتاب‌خانه‌یی به دست آمده است.

پیشینه تحقیق

از مطالعه کتاب‌ها و آثار نویسندگان حقوق بشردوستانه معلوم می‌گردد که در مورد جنگ‌های داخلی به عنوان یک مخاصمه مسلحانه و ویرانگر، کمتر مورد توجه بوده است. در صورتی که تجارب جنگ‌های داخلی برخی کشورها در این اواخر نشان می‌دهد که نقض قواعد بشردوستانه در این جنگ‌ها آثار و پیامد جبران‌ناپذیری را برای دولت‌ها و جامعه انسانی به جا گذاشته است. افغانستان از جمله کشورهای قربانی این منازعه می‌باشد که آثار اندکی در این خصوص وجود دارد که از جمله:

- شیرجان هدمند کتاب حقوق منازعات مسلحانه را در سال ۱۳۹۲ تألیف و برای تدریس در اختیار اکادمی ملی نظامی پوهنتون دفاع ملی افغانستان قرار داده است. موضوعات مورد بحث این کتاب در چهارده فصل ترتیب گردیده است. در موضوعات مورد

بحث او دیده می‌شود که به ابعاد حقوقی جنگ‌های داخلی، حقوق و تکالیف طرفین درگیر و مسئولیت‌های ناشی از نقض قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی چندان توجه صورت نگرفته است و نیاز به یک تحقیق همه‌جانبه روی موضوع جنگ‌های داخلی و مسئولیت ناشی از نقض قواعد بشردوستانه می‌باشد. (هدفمند، ۱۳۹۲: ۱۳) در این تحقیق کوشش شده است که اندکی این خلا پر شود.

مفاهیم

الف- جنگ

جنگ عبارت است از برخورد مسلحانه با مقیاس بزرگ میان کشورها یا در درون آن‌ها. (توپچی، ۱۳۹۳، ۱۷) شارل روسو جنگ را مبارزه مسلحانه‌ای می‌داند که بین کشورها برقرار می‌گردد که به قصد قبولاندن نظری سیاسی و یا به کاربردن و سایلی که به موجب حقوق بین الملل تنظیم گردیده است صورت می‌گیرد. جنگ را از نظر حقوقی باید چنین تعریف کرد: جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی مجموعه عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه است که در چهارچوب سیاست ملی کشورها (دو یا چند طرف) روی می‌دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آن‌ها با یک دیگر و هم‌چنین با کشورهای ثالث می‌شود. از این لحاظ یکی از طرفین مخاصمه در صدد تحمیل نقطه نظرهای سیاسی خویش بر دیگری است. به این ترتیب، عملیات قهرآمیز مسلحانه و سیله و هدف تحمیل اراده مهاجم است. (هدفمند، ۱۳۹۲، ۵)

درگیری‌های مسلحانه غیر بین المللی یا جنگ‌های داخلی به معنای خاص می‌شود که در قلمرو یک کشور میان نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح مخالف دولت، یا گروه‌های مخالف بایک دیگر رخ می‌دهد و از شد و مد زیادی برخوردار می‌باشد. (الیاسی، ۱۳۹۹: ۹۷) منابع اصلی حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، پروتکل دوم الحاقی برکنوانسیون‌های ژنو، حقوق بین الملل عرفی و دیگر اسناد مرتبط به آن. (توپچی، ۱۳۹۳، ۱۱۴)

به عبارت دیگر، درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی تابع حقوق داخلی کشورهای محل درگیری، حقوق بین‌الملل بشر، ماده سوم مشترک عهدنامه‌های چهارگانه ژنو، شرط مارتینس، پروتکل دوم و قواعد عرفی مربوط می‌باشد. (بیگ دلی، ۱۳۹۲، ۵۴)

طبق ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو که امروزه جزئی قواعد آمره بین‌المللی است (هردرگیری مسلحانه که جنبه بین‌المللی نداشته باشد و در قلمرو یکی از کشورهای عضو روی دهد، هریک از آن‌ها ملتزم به رعایت حداقل حمایت‌های انسانی در مورد کلیه اشخاص "خارج از نبرد" اعم از نظامی و غیرنظامی هستند و در همه و ضعیف‌ها باید با آنان بدون هیچ‌گونه تبعیض ناروا از حیث نژاد، رنگ، مذهب، عقیده، جنسیت، اصل و نسب و یا ثروت، یا هر معیار مشابه آن‌ها، با اصول انسانیت رفتار شود.

پروتکل دوم، درگیری‌های غیر بین‌المللی را چنین تعریف نموده است؛ یعنی کشمکش‌های مسلحانه داخلی یا غیر بین‌المللی کشمکش‌هایی می‌باشد که: (هدفمند، ۱۳۹۲، ۱۳) در قلمرو یکی از کشورهای متعاقد روی دهد و یا در میان نیروهای مسلح یک کشور و نیروهای مسلح مخالف یا سایر گروه‌های سازمان یافته رخ داده باشد.

دادگاه کیفری بین‌المللی یوگوسلاویای سابق، شعبه تجدید نظر آن در رای مورخ ۲ اکتبر ۱۹۹۵ خویش مربوط به قضیه "تادیچ" مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی را این گونه تعریف نموده است:

«مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی زمانی و اقع می‌شود که خشونت و منازعه مسلحانه طولانی مدت میان نیروهای مسلح حکومتی و گروه‌های مسلح سازمان یافته یا بین خودی این گروه‌ها در قلمرو و سرزمین یک دولت اتفاق بیفتد. (بافتی و هنجی، ۱۳۹۲، ۲۶) کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای تشخیص مخاصمه مسلحانه داخلی و تفکیک آن از وضعیت‌های چون راه‌زنی صرف یا شورش‌های سازمان نیافته و کوتاه مدت، معیارها و ظوابطی را بر شمرده است که قرار ذیل می‌باشد.

- طرفی که علیه حکومت رسمی دست به شورش زده است؛ دارای یک نیروی مسلح سازمان یافته باشد، صاحب یک مقام مسئول برای فرماندهی اقدامات در قلمرو سرزمینی تحت کنترل خود باشد همچون و سایل لازم و کافی برای رعایت و تضمین رعایت قواعد بشردوستانه مندرج در کمیسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ را در اختیار داشته باشد.
- حکومت قانونی ناگزیر از توسل به نیروهای نظامی خود علیه شورشیان سازمان یافته‌ای شود که بخشی از سرزمین ملی را به تصرف خود در آورده اند.
- حکومت رسمی، شورشیان را به عنوان طرف متخاصم شناسایی کرده باشد. (بافتی و هنجی، ۱۳۹۲، ۴۲)

- نیروهای مسلح مخالف، صاحب سازمان و تشکیلاتی باشند که مهیای تشکیل یک دولت باشد و مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی همان طوری که از نامش بر می آید، از آنجا از مخاصمه مسلحانه بین المللی متمایز می شود که نه میان دو یا چند دولت؛ بلکه منحصر، در داخل خاک تنها یک دولت در می گیرد که در اغلب اوقات منازعه‌ای است بین حکومت و گروه یا گروه‌هایی که به معارضه مسلحانه با آن برخاسته اند؛ یعنی دست بردن عده‌ای از افراد به سلاح، به منظور دگرگونی ساختار سیاسی جامعه‌ای که از راه‌های متعارف و منطبق با قانون اساسی میسر نیست. (ممتاز، ۱۳۹۳، ۱۶)

ب - مفهوم حقوق بشر و بشردوستانه

۱- مفهوم حقوق بشر

به رغم آن که در مورد مفهوم حقوق بشر و اهمیت آن میان فلاسفه، نویسندگان، دانشمندان مکاتب و ادیان مختلف و حقوق دانان اختلاف نظر و جود دارد؛ اما آنچه که کلمه حقوق در اصطلاح حقوق بشر، جمع حق به معنی حق داشتن است و دارای مفهوم سه ضلعی است که این سه ضلع حقوق بشر (متعلق حق، صاحب حق و طرف مقابل) را در بر می گیرد. حقوق بشر مجموعه‌ای از حق‌هایی است که از کرامت ذاتی انسان ناشی شده و این ویژگی‌ها مانند ذاتی، سلب‌ناپذیر، جهان شمول، تقسیم‌ناپذیر، به هم وابسته و مرتبط

به حقوق بشر نسبت داده شده اند. این فهرست از حق‌ها در ابتدا در اعلامیه جهانی حقوق بشر بر شمرده شده است و سپس در اسناد بعدی گسترش یافت و توضیح داده شده است. (حیدری، ۱۳۹۹، ۳۶) اما می‌توان در مجموع حقوق بشر را مجموعه‌ای از ارزش‌های والای انسانی - اخلاقی دانست که بر هر فرد انسانی، صرف نظر از وابستگی‌های اعتقادی، نژادی، تابعیتی، جنسیتی، زبانی و امثال آن و نیز وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و شرایط اجتماعی، پیرامون او، اختیارات و امتیازات خاصی اعطا می‌کند. (بیگ دلی، ۱۳۹۲: ۴۱)

۲- مفهوم حقوق بشردوستانه

حقوق بین الملل بشردوستانه شاخه‌ای از حقوق بشر و بخشی از حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات مسلحانه‌ای بین المللی بوده و مجموعه قواعد حقوقی بین المللی است که ضمن تعیین حقوق افراد انسانی و کشورها در مخاصمات مسلحانه اعم از بین المللی یا غیر بین المللی تکالیف افراد و کشورها در آن مخاصمات را نیز روشن می‌کند. در واقع حقوق بشردوستانه حقوق انسانی زمان جنگ است. (ذاکریان، ۱۳۸۸، ۱۹۰)

حقوق بشردوستانه بخشی از حقوق مخاصمات مسلحانه بوده که ناظر بر حمایت از قربانیان جنگ، رزمندگان و مجروحین بیمار و اسیر. هم‌چنین غیرنظامیان متأثر از جنگ و اشخاص غیرنظامی در سرزمین‌های اشغالی به وسیله دشمن است. (تو پچی ۱۳۹۳: ۲۰)

به عبارت دیگر، حقوق بشردوستانه یا حقوق جنگ، مجموعه قواعد عرفی یا بین المللی است که بر انواع درگیری‌های مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی میان طرف‌های متخاصم حاکم بوده و رعایت آن نسبت به حال غیر نظامیان، زخمیان، اسیران و نیروهای امداد رسان الزامی می‌باشد. به بیان دیگر مجموعه مقررات و قواعد بین المللی است که ضمن تعیین حقوق حمایت از افراد انسانی (اعم از رزمندگان و غیر رزمندگان) اموال غیرنظامی، حقوق طرف‌های متخاصم در مخاصمات مسلحانه‌ای (اعم از بین المللی یا غیر بین المللی) تکالیف افراد انسانی و طرف‌های متخاصم را نیز در آن مخاصمات مشخص می‌کند. (بیگ دلی، ۱۳۹۲، ۲۶)

مفهوم حقوق بشردوستانه، از مفاهیم اعتباری و چندلایه‌ای است که تعریف‌های متعدد را بر می‌تابد، ضمن آن که نمی‌توان تعریفی جامع برای آن پیدا کرد، باتوجه به ویژگی‌های بیان شده به اختصار می‌توان گفت که حقوق بشردوستانه عبارت از "مجموعه قواعد قراردادی و عرف بین‌المللی که ناظر به رفتارهای نیروهای متخاصم در هنگام جنگ مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی است. این تعریف به اختصار عناصر لازم را به زیبایی بیان می‌کند؛ زیرا قواعد حقوق بشردوستانه ناظر بر نیروهای متخاصم یا قراردادی است که از سوی معاهدات عام بین‌المللی تعیین شده‌اند یا عرف بین‌المللی است. (الیاسی، ۱۳۹۹: ۲۱) هدف کلاسیک حقوق بشردوستانه، کاستن از میزان رنج افراد در جریان منازعات مسلحانه و محدود ساختن آثار سوء ناشی از جنگ است؛ اما امروزه هدف از حقوق بشردوستانه تأمین احترام به شأن و الا و کرامت انسان، تضمین حقوق اساسی بشر و به طور کلی تعمیم هنجارهای حقوق بشری به حقوق بین‌الملل ناظر بر منازعات مسلحانه و نیز تعقیب، محاکمه و مجازات جنایت‌کاران جنگی است. (جلالی، ۱۳۹۱، ۳۱)

۴- مفهوم مسئولیت

حقوق بین‌الملل تعهدات متعددی را برای حمایت از قربانیان جنگ در نظر می‌گیرد. تعهدات را از همه طرف‌های درگیری می‌خواهد. هم‌چنان در نظام حقوقی بین‌المللی موقعیت‌های هست که مسأله مسئولیت را به طور مستقیم مطرح می‌کند. این مسئولیت‌ها امکان محاکمه و مجازات را برای طرف‌های درگیری فراهم می‌سازد که از قواعد این نظام حقوقی تخلف کرده باشند. حقوق بشردوستانه یکی از زمینه‌های اصلی طرح مسئولیت در حقوق بین‌الملل است. این حقوق نه تنها دولت‌ها؛ بلکه افراد را هم متعهد به اجرای آن می‌کند. (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۹۳، ۱۸۶)

در گذشته‌ها و حقوق بین‌الملل کلاسیک، مسئولیت بین‌المللی کشورها که ناشی از نقض مقررات بین‌المللی بود، تنها جنبه ترمیمی و جبرانی داشت؛ اما به تدریج با توسعه و تحول حقوق بین‌الملل، بخشی از مقررات بین‌الملل کلاسیک در زمینه مسئولیت بین

المللی دچار دگرگونی شد. حقوق بین الملل در جهت تکامل، گام‌های اساسی و سریعی برداشت. قرن بیستم، به ویژه نیمه دوم آن را می‌توان "عصر جدید نهاد مسئولیت بین المللی" نامید و نهاد جدید تحت عنوان "مسئولیت کیفری بین المللی" مطرح شد و اساس حقوق بین الملل نوینی به نام حقوق بین الملل کیفری پایه گذاری گردید. (بیگ دلی، ۱۳۹۲: ۳۴۶)

قابل ذکر است، حقوق بشردوستانه ضمن آن که تابع قواعد عام مسئولیت بین المللی است، خود نیز متضمن قواعد خاصی است. چنانچه، اشخاص از لحاظ کیفری برای نقض مقررات بشردوستانه بین المللی که در طی مخاصمات غیر بین المللی ارتکاب می‌یابد مسئول قلمداد می‌شوند. گرچه، ماده سوم مشترک و پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ در خصوص وجود مسئولیت کیفری فردی برای نقض مقررات مندرج در آن‌ها، کدام مقرره‌ای را پیشبینی نه نموده است. با وجود این، اساسنامه محاکم کیفری بین المللی اراء قضایی صادره از جانب آن‌ها وجود چنین مسئولیتی را در خصوص مخاصمات مسلحانه داخلی تایید کرده اند. (بافتی، و هنجی، ۱۳۹۲: ۱۷۹) ماده ۸۷ پروتکل اول ۱۹۷۷، هم به و ظایف و مسئولیت‌های فرمانده پرداخته است. هر فرمانده‌ای مسئولیت دارد که افراد تحت امر و فرماندهی او حقوق منازعات مسلحانه را مراعات کرده و از آن تخطی نکنند. از این رو، باید اطمینان حاصل کند که افراد او حقوق مخاصمات مسلحانه را فراگرفته باشند و بر آن اساس آن‌ها را به رعایت این قواعد ملزم سازد و تبعیت آن‌ها از مقررات را کنترل کنند و در صورت تخلف افراد، اقدام کنند. (توچی، ۱۳۹۳، ۲۱۸)

پ- مسئولیت نقض حقوق بشردوستانه در جنگ‌های داخلی

در درگیری‌های مسلحانه غیر بین المللی و شورش‌های مسلحانه داخلی ممکن است نقض قواعد حقوق بشردوستانه توسط حکومت قانونی یا گروه‌های مسلح مخالف حکومت قانونی صورت گیرد. در حالت اول، مسئولیت متوجه کشور درگیری یا آشوب زده است؛ اما در حالت دوم، کشور مربوط مسئولیتی ندارد، مگر آن که حکومت قانونی مراقبت

کافی برای جلوگیری از نقض آن قواعد به عمل نیاورده و یا ناقضان را سرکوب و مجازات نکرده باشد و یا به آنان صلح نموده یا آن‌ها را در حکومت شریک کند و یا محکومان را مورد عفو قرار دهد. با وجود این، چنانچه گروه‌های مسلح مخالف برحکومت قانونی پیروز گردند یا به عنوان حکومت جدید جانشین حکومت قانونی پیشین شوند و بتوانند اقتدار حاکمیتی خود را به تمام یا بخشی از قلمرو کشور مربوط اعمال نمایند، در این صورت چنین حکومتی مثل کلیه اعمال ناقض حقوق بشردوستانه ارتکاب گذشته اعضای خود و حتا اعمال متخلفانه قابل انتساب به حکومت شکست خورده می‌باشد. (بیگ دلی، ۱۳۹۲: ۳۷۴)

ماده ۳۸ اساسنامه محکمه جنایی بین المللی راجع به مسئولیت چنین صراحت دارد: «فرماندهان نظامی، مسؤول خشونت‌های خواهند بود که توسط نیروهای تحت فرمان‌شان انجام می‌گیرد. شرط مسئولیت فرماندهی، آن است که فرماندهان از نتایج جرایم، آگاه یا در شرایطی باشند که امکان آگاهی یافتن از عملکرد غیر قانونی زیر دستان‌شان برای آنان میسر باشد؛ اما برای توقف این گونه اقدامات و یا مجازات مجرمان، اقدامی نکنند، این ماده برگرفته از اصل "یاماشیتا"ست که براساس آن، دادگاه لاهه علیه کاردازیچ و ملادیچ جنایت کاران جنگی در جنگ‌های داخلی یوگوسلاوی سابق اعلام جرم کرد. (رابرتسون، ۴۶۵، ۱۳۸۳)

شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در طی قطعنامه‌های خود، نقض‌های حقوق بین الملل بشردوستانه در طی مخاصمات غیر بین المللی را محکوم نموده و برای عاملین آن‌ها، مسئولیت کیفری فردی مقرر داشته است. از جمله می‌توان به قطعنامه‌های صادره در خصوص مخاصمات مسلحانه جاری در یوگوسلاویا سابق سومالی، افغانستان، بوسنی و هرزگوین، آنگولا و برونیدی می‌توان اشاره نمود. (بافتی، و هنجی، ۱۳۹۲: ۱۸۱) طبق قاعده ۱۵۱ حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی، افراد که جنایت جنگی مرتکب می‌شوند مسئولیت کیفری دارند.

قاعده ۱۵۵، اطاعت از فرمان مافوق توسط زیردست را در صورتی لازم می‌دانسته که دستور صادره، غیر قانونی بوده یا به دلیل ماهیت آشکارا و غیرقانونی دستور صادر شده، از مسئولیت جزای مبرا نمی‌سازد. (هنکرتز، دو سو الدبک، ۱۳۹۱، ۷۷۶-۷۹۶)

البته، برخی‌ها معتقد اند که گروه‌های مسلح مخالف طبق حقوق بین الملل عرفی باید به حقوق بشردوستانه احترام گذارند، تحت یک "فرمانده مسؤول" عمل کنند؛ لذا می‌توان گفت که آنان در قبال اقدامات اشخاصی که بخشی از این گروه‌ها شناخته می‌شوند، مسئولیت دارند. نمونه‌های از انتساب مسئولیت به گروه‌های مسلح مخالف موجود است. به عنوان مثال، گزارش‌گر ویژه‌ای کمیسیون حقوق بشرسازمان ملل متحد در گزارش خود در مورد وضعیت حقوق بشر در سودان، ارتش آزادی بخش خلق سودان را مسؤول کشتار و ربودن شهروندان، غارت اموال و گروگان گرفتن نیروهای امداد رسان که توسط فرماندهان محلی آن ارتش صورت گرفته بود، دانست. (بیگ دلی، ۱۳۹۲: ۳۷۶)

اساسنامه رم همچنین دو گروه از جنایات جنگی را که در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی ارتکاب می‌یابند، تعریف کرده است. نخستین آن‌ها نقض‌های شدید ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو است؛ اما تصریح شده که این قاعده از اساسنامه بر و وضعیت‌های تنش و ناآرامی‌های داخلی همچون شورش، خشونت‌های پراکنده یا دیگر اقدامات مشابه اعمال نمی‌شود. دومین گروه بر دیگر نقض‌های شدید حقوق و عرف‌های جنگی قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی در چهارچوب پذیرفته شده حقوق بین‌المللی اشاره دارد. تصریح شده که این قواعد بر درگیری‌های مسلحانه‌ای اعمال می‌شود که در قلمرو یک دولت رخ داده و درگیری طولانی‌مدتی میان نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا بین چنین گروه‌هایی وجود دارد و در نتیجه مشارکت نیروهای مسلح دولتی برای تعریف چنان درگیری‌هایی ضروری نیست. این گروه برخی اعمال ممنوعه در پروتکل دوم الحاقی همچون حمله عمدی به جمعیت غیر نظامی یا غیر نظامیانی که مستقیماً در مخاصمات شرکت ندارند، حمله عمدی به ساختمان‌ها، مواد و واحدهای پزشکی و وسایل حمل و نقل و پرسنل بهداشتی

که از علایم مشخصه کنوانسیون‌های ژنو مطابق حقوق بین الملل استفاده می‌کنند. هیچ‌نین هدف قرار دادن اماکن و ساختمان‌هایی را که به اهداف مذهبی، آموزشی، هنری و علمی یا خیریه اختصاص داده شده‌اند، بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و اماکنی که در آن بیماران و مجروحان جمع‌آوری شده‌اند را جزء جنایات جنگی برشمرده است مشروط بر آن که آن‌ها به هدف نظامی تبدیل نشده باشند. دیگر اعمالی که جنایات جنگی تلقی شده‌اند عبارتند از جنایات جنسی و جنسیتی، نام‌نویسی از کودکان زیر ۱۵ سال در نیروها یا گروه‌های مسلح یا استفاده از آن‌ها برای ایفای نقش فعال در مخاصمات، صدور دستور جابجایی جمعیت غیرنظامی به دلایل مربوط به درگیری مگر آن که امنیت غیرنظامیان مزبور یا ضرورت‌های قطعی نظامی اینگونه اقتضاء کند، غارت شهر یا مکان به ویژه هنگامی که با حمله صورت گیرد، مثله کردن اشخاص زندانی تحت اختیار خویش یا انجام آزمایش‌های علمی یا پزشکی روی آن‌ها از هر نوعی که نه برای معالجات پزشکی، دندان پزشکی اشخاص مزبور قابل توجه باشد و نه در جهت منافع آن‌ها باشد که به مرگ ایشان انجامیده یا شدیداً سلامت شخص یا اشخاص مزبور را به خطر اندازد. نهایتاً اساسنامه رم به برخی ممنوعیت‌ها در کاربرد روش‌های جنگی که در مقررات منظم به کنوانسیون چهارم لاهه ذکر شده، اشاره می‌کند، همچون قتل یا مجروح کردن رزمنده طرف مقابل با مکر و حيله، صدور فرمان مبنی براین که هیچ‌کس نباید زنده بماند، تخریب و ضبط اموال دشمن مگر آنکه این عمل ناشی از ضرورت‌های نظامی مبرم باشد و هدف قرار دادن عمومی پرسنل، تاسیسات، تجهیزات و مواد و واحدهایی که در کمک‌های بشردوستانه یا ماموریت‌های حفظ صلح مطابق منشور ملل متحد نقش دارند مادی که آن‌ها به موجب حقوق بین‌المللی ناظر بر درگیری مسلحانه محق به برخورداری از حمایت‌های مربوط به افراد و اموال غیر نظامی باشند.

ت-مسئولیت جزای فردی در مخاصمات داخلی

حقوق بین‌الملل که تعهدات بین‌المللی متعددی را برای حمایت از افراد در نظر می‌گیرد، تعهداتی را هم از افراد می‌خواهد. در واقع، در نظام حقوقی بین‌المللی

موقعیت‌هایی است که مسئولیت فرد به طور مستقیم مطرح می‌شود. این مسئولیت فردی، امکان محاکمه و مجازات افرادی را فراهم می‌کند که از قواعد این نظام حقوقی تخلف می‌کنند. پیشتر گفتیم که حقوق بین الملل بشردوستانه یکی از زمینه‌های اصلی طرح این نوع مسئولیت فردی در حقوق بین الملل است و گفتیم که این حقوق نه فقط دولت‌ها را بلکه افراد را هم متعهد به رعایت و اجرای آن می‌کند. به سخن دیگر، هر فرد را به تنهای مسئول به رعایت مقررات بشردوستانه می‌داند. با ملاحظه ممنوعیت مقابله به مثل در حقوق بین الملل بشردوستانه که اقتضای رعایت آن را به طور مطلق دارد؛ یعنی در همه حال و بدون شرط، عمل متقابل دارد. کیفر دادن کسانی که از قواعد بشردوستانه تخطی می‌کنند، ضرورت انکارناپذیر به نظر می‌رسد؛ زیرا برای اجرای مؤثر این قواعد لازم است تا هر فردی که به هر نحوی در مخاصمات مسلحانه شرکت می‌کند، این قواعد و خصوصیات آن را بشناسد و بداند که تخطی از آن مسئولیت کیفری در پی خواهد داشت. به قول یکی از حقوق دانان، مفهوم مسئولیت فردی موجب می‌شود تا هر فرد درگیر مخاصمات مسلحانه آگاه به مسئولیت گردد؛ یعنی مسئولیت از اعمالی که شخص خودش انجام می‌دهد. (ممتاز، ۱۳۹۳: ۱۸۶-۱۸۷)

با توجه به این که مسئولیت کیفری کشورها و سازمان‌های بین المللی و سایر اشخاص حقوقی فعلاً موضوعیت ندارد و عمل مجرمانه بین المللی نیز عامل یا مباشر مشخص دارد، پس این اشخاص حقیقی که در هر حال عامل یا مباشر یک جرم یا جنایت بین المللی، از جمله جنایت جنگی به شمار می‌روند و در نهایت از نظر بین المللی مسؤول و مستحق مجازات اند. (بیگ دلی، ۱۳۹۲، ۳۵۱)

طبق ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین المللی برای یوگوسلاوی سابق، هرفردی که برنامه‌ریزی، تحریک، دستور، ارتکاب یا هرگونه کمک و معاونت در برنامه‌ریزی، تمهید یا انجام یک جنایت مقرر در مواد ۲ تا ۵ اساسنامه محکمه حاضر را به عمل آورده باشد، به صورت فردی در قبال آن جنایت مسؤول بود. (ساعد، ۱۳۹۴، ۹۱۰)

قواعد حمایتی حقوق بین الملل بشردوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی کم و بیش رابطه تنگاتنگی با مقررات حقوق بشردارد. به همین سبب است که در مقدمه پروتکل دوم، به اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر اشاره می‌کند. به علاوه، طرفین مخاصمه موظف به رعایت شخصیت انسانی و موارد مندرج در ماده ۳ و همچنین رعایت حداقل مفاد مقدمه پروتکل دوم که افراد را تحت حمایت اصول بشری و الزامات و جدان عمومی قرار می‌دهد، می‌باشد. خلاءهای مربوط به مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی نمی‌تواند بهانه‌ای برای طرفین چنین مخاصماتی جهت فرار از تعهداتشان باشد؛ زیرا این حقوق دارای ارزش جهانی می‌باشد و در صورت نقصان می‌توانند توسط مقررات قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه بین المللی تکمیل شوند. همان طوری که دادگاه جزای بین المللی برای یوگوسلاوی سابق اعلام می‌کند آنچه در مخاصمات مسلحانه بین المللی غیر انسانی و ممنوع است، نمی‌تواند در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی، انسانی و قابل قبول تلقی شود. به نظر می‌رسد که اصول مربوط به مخاصمات مسلحانه بین المللی قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی می‌باشد. پس براین اساس می‌توان بیش از پیش امیدوار بود که مرتکبین جرایم مربوط به مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی دیگر نتوانند بی‌کیفر بمانند. (قوام آبادی، ۱۳۸۹، ۹۲)

ث- مسئولیت جزای فردی نیروهای مسلح مخالف در جنگ‌های داخلی

حقوق بین الملل کلاسیک، تنها زمانی اعضای نیروهای مسلح غیر دولتی را صاحب حق و تکلیف قلمداد می‌کرد که آشوب به شورش و شورش به جنگ داخلی تبدیل می‌شد و برخی کشورها نیز وضعیت آن‌ها را مورد شناسایی قرار می‌دادند. امروزه، می‌توان قواعد حقوق بشردوستانه بین المللی را جایگزین رژیم شناسایی سابق قلمداد نمود. قواعد مذکور، زمانی که درگیری به آستانه‌ای معین برسد، قابلیت اعمال می‌یابند. از جمله این تعهدات می‌توان به تعهدات مندرج در ماده ۳ مشترک، پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ و ماده ۱۹ کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ راجع به اموال فرهنگی اشاره نمود. (بافتی، و هنجی، ۱۳۹۲: ۱۸۲)

حقوق بین المللی بشردوستانه که در جریان مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی اعمال می شود، تکالیف خاصی را برعهده شورشیان گذارده است. هم چ نین حمایت حداقل ایجابی مندرج ماده ۳ مشترک، در بردارنده تعهداتی است که به کلیه طرفین متخاصم (اعم از حکومتی و شورشی) تسری می یابد.

این نکته در قطعنامه شماره ۷۱/۱۹۹۱ کمیسیون حقوق بشردوستانه سازمان ملل متحد راجع به السالوادور و قطعنامه ۴۶/۱۷۲ مجمع عمومی در همان مورد مورد تایید واقع شده است.

دیوان عالی امریکا نیز در قضیه "حمدان" نیز این نکته را یادآور گشته است که مقررات مندرج در ماده ۳ مشترک در خصوص محاکمه اشخاص دستگیر شده در افغانستان در طول مخاصمه مسلحانه میان امریکا و القاعده قابلیت اعمال داشته است و شعبه تجدید نظر دیوان ویژه سیرالیون نیز در قضیه "نورمان" بیان داشته است که: "این نکته که کلیه طرفین مخاصمه مسلحانه، (اعم از کشورهای نیروهای مسلح غیر حکومتی) به موجب حقوق بین الملل بشردوستانه ملزم و متعهد هستند و از دیدگاه حقوق بین الملل تثبیت شده است. گرچه، این تنها کشورهای هستند که می توانند عضو معاهدات بین المللی شوند.

در زمان طرح پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷، کشورهای متعددی مخالفت خود را مبنی براین که شورشیان درگیر در جنگ های داخلی بتوانند صاحب شخصیت حقوقی شوند اعلان داشتند؛ زیرا آنان را مجرمانی بیش محسوب نمی کردند با و جو د این، معاهده مزبور، درکنار حمایت مقرر، تعهداتی را نیز برای نیروهای مسلح غیر دولتی که معیارهای مندرج در پروتکل دوم را برآورده نموده اند، قایل شده است.

تفسیر ارایه شده از جانب کمیته بین المللی صلیب سرخ تاییدکننده این است که حذف کلیه عباراتی که متضمن عبارت "طرفین مخاصمه" بوده است، فقط پیش نویس سند و ساختار آن را ا لحاظ شکلی متاثر می سازد و آسیبی به محتوای قواعد و مقررات مندرج در آن و ارد نمی آورد. در حقیقت، کلیه قواعد مبتنی بر حضور دو یا چند طرف است که با یک

دیگر در حال منازعه و زد و خورد می‌باشند. از آن جاکه این حقوق و تکالیف خصیصه بشردوستانه محض دارد، هم برای نیروهای حکومتی و نیروهای مسلح غیر دولتی حقوق یکسان و تکالیف برابر را در نظر می‌گیرد. برای اثبات این نکته که نیروهای مسلح غیر دولتی هم می‌توانند صاحب تعهدات بین المللی و در نهایت مسئولیت کیفری فردی باشند، چند دلیل و جود دارد. (بافتی، و، هنجی، ۱۳۹۲: ۱۸۴)

۱- اعضای گروه‌های مسلح مخالف، اتباع یک کشور به حساب می‌آیند و بدین سبب به موجب تعهد بین المللی حکومت کشور متبوع خود، آن‌ها نیز متعهد هستند. بنا به تفسیر کمیته بین المللی صلیب سرخ، تعهد بین المللی که از جانب یک دولت به عهده گرفته می‌شود نه تنها خود آن دولت؛ بلکه هر مقام صاحب منصب و صلاحیت و هر شخصی حقیقی درون سرزمینی آن دولت را متعهد می‌سازد.

۲- جای که یک گروه، عملکرد شبه حکومتی دارد، باید برای کلیه عملکردهای حکومتی عملی "غیررسمی" خود مسئول قلمداد شود.

۳- تعهداتی چون تعهدات مندرج در ماده ۳ مشترک مستقیماً برعهده گروه‌های شورشی قرار گرفته و نیازی وجود ندارد که حتماً پیش از این، تعهدات در مقررات داخلی کشور متبوع شورشیان درج شده باشد. بسیاری از معاهدات بشردوستانه حاکم بر منازعات داخلی، خود، مستقیماً برای اشخاص و گروه‌های مسلح غیرحکومتی، حق و تکلیف در نظر می‌گیرد.

شورای امنیت در قطعنامه ۱۲۱۴ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۹۸ خود در مورد افغانستان این نکته را مورد تأیید قرار داده است که «کلیه طرفین متخاصم ملزم به اجرای تعهدات خود به موجب حقوق بشردوستانه بین المللی و به خصوص کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو هستند» نکته قابل توجه که این شورا در این قطعنامه بیان داشته، این است که «اشخاصی که مرتکب یا مامور به ارتکاب اعمال ناقض کنوانسیون‌های ژنو می‌شوند، در قابل موارد ارتكابی، مسئولیت کیفری فردی را در چهارچوب مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی تأیید نموده است.

در نتیجه به عقیده فلک «اگر گروه‌های مسلح مخالف (شورشیان) از حقوق بشر برخوردار هستند، منطقاً باید بدون هیچ تفاوتی صاحب تعهدات حقوق بشری نیز باشند. همان طور که به موجب حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی صاحب تعهد شده اند.

ج- مسئولیت قوماندان و آمر مافوق

قانون جزای بین المللی اصل مسئولیت قوماندان را برای اعمال ارتكابی در طی مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی نیز به رسمیت می‌شناسد.

مثلاً: محاکم اختصاصی تشکیل شده برای یوگوسلاویا و رواندا صراحتاً بر مسئولیت قوماندانان حتا در موارد قصور به خاطر جنایات ارتكابی توسط زیردستان وی تأکید کردند. اساسنامه دیوان رواندا این دیوان را در مورد نقض فاحش ماده ۳ مشترک و پروتو کول دوم که براساس تعاریف در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی انجام می‌شوند، صالح می‌داند. ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ چنین و ضاحت دارد. (هیچکس نباید به ارتكاب جرم مجازات شود مگر براساس مسئولیت کیفری). (اسماعیل نسب، ۱۳۹۳: ۴۳۵)

طبق قاعده ۱۵۳ حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی فرماندهان و دیگر افراد مافوق در مقابل جنایات جنگی که توسط زیردستان آنها واقع شده است؛ چنانچه آگاهی داشته یا دلیل بر آگاهی آنها وجود داشته که زیردستانشان در شرف ارتكاب یا در حال انجام این گونه جنایت بوده‌اند و هرگونه اقدامات منطقی و لازمی را که در حیطه قدرتشان بوده برای جلوگیری از این جنایات انجام نداده‌اند، یا اگر چنین جنایتی واقع شده و اشخاص مسئول را مجازات نکرده‌اند، مسئولیت کیفری برعهده دارند. (هنکرتز، ۱۳۹۱: ۵۰)

با وجود آنکه مسئولیت کیفری فردی به دلیل ارتكاب جرایم جنگی یک اصل حقوق بین المللی عام است که در معاهده صلح و رسی و منشور دادگاه نورمبرگ مقرر شد، نباید فراموش کرد که جرایم مذکور در این معاهده و مورد رسیدگی در دادگاه مزبور، نقض حقوق و عرف‌های جنگی بودند که به طور مشخص در طی یک جنگ ارتكاب یافته بودند. کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی محدوده اعمال این قواعد را به همه انواع

درگیری‌های مسلحانه بین المللی گسترش می‌دهند؛ اما هیچ مقرراتی راجع به اینکه آیا چنان جرایمی در درگیری‌های مسلحانه غیر بین المللی نیز قابل ارتکابند یا خیر، ندارند. اما قانون جزای بین المللی اصل مسئولیت قوماندان را برای اعمال ارتكابی در طی مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی نیز به رسمیت می‌شناسد. مثلاً: محاکم اختصاصی تشکیل شده برای یوگوسلاویا و رواندا صراحتاً بر مسئولیت قوماندان حتا در موارد قصور به خاطر جنایات ارتكابی توسط زیردستان وی تأکید کردند.

اساسنامه دیوان رواندا: این دیوان را در مورد نقض فاحش ماده ۳ مشترک و پروتوکول دوم که بر اساس تعاریف در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی انجام می‌شوند صالح می‌داند.

در این خصوص رویه دیوان بین المللی کیفری رواندا و یوگسلاوی به ویژه در ارتباط با تعیین محدوده حقوق بین الملل بشردوستانه بسیار مهم است؛ زیرا که این دو، نخستین محاکم بین المللی بودند که به تعقیب و محاکمه چنین جنایاتی در این نوع درگیری‌ها (جنگ‌های داخلی) پرداختند.

نگاه کنید به مهم‌ترین گزارش دادگاه کیفری بین المللی یوسلاوی سابق مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۴. آنتونیو کاسسه در نخستین گزارش خود به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۹۴ خاطرنشان کرد. (چگونه می‌توان امیدوار بود که بدون مجازات مجرمان، حاکمیت قانون و آرامش بازگردد و روابط سازنده و سالم میان گروه‌های نژادی، در داخل یا بین دولت‌های مستقل برقرار شود. به نظر نمی‌رسد کسانی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم، از جرایم مجرمان آسیب دیده اند، مجرمان را بی‌بخشند یا خشم عمیق خود را فرو خورند. زنی که نظامیان متعلق به یک گروه نژادی یا قومی به آن تجاوز کرده یا شهروندی که و الدین یا فرزندان و اعضای خانواده خود را در کشتار بی‌رحمانه از دست داده است، اگر بدانند که عاملان این جنایت به سزای اعمالشان نرسیده اند و حتا در همان شهری که مرتکب اعمال جنایت کارانه فجیع شده اند، آزادانه زندگی می‌کنند، چگونه خواهند

توانست حس انتقام جویی خود را فرو نشانند؟ تنها گزینه مناسب برای فرو نشاندن حس انتقام جویی مزبور این است که عدالت اجراء گردد. (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۴۳۶)

و طبق قاعده ۱۵۲ حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، فرماندهان و سایر افراد مافوق برای جنایات جنگی که در پی دستور آن‌ها ارتکاب می‌یابد، مسئولیت کیفری دارند. (مجله صلیب سرخ، ۲۰۰۵: ۵۵)

هنگامی که شورای امنیت با اتخاذ قطعنامه ۸۲۷ (۱۹۹۳) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق را تأیید کرد، ایالات متحده اعلام کرد، فرانسه و بریتانیا نیز با این کشور هم عقیده بودند که اساسنامه دیوان که به آن صلاحیت رسیدگی به نقض قواعد و عرف‌های جنگی را می‌دهد، شامل تعهدات ناشی از حقوق بین‌المللی بشردوستانه لازم الاجرا در قلمرو یوگسلاوی سابق در زمان ارتکاب آن اعمال از جمله ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ می‌شود. این نظر بدان معناست که به اعتقاد این سه عضو دائم شورای امنیت، جنایات جنگی نه تنها در چارچوب یک درگیری با این وجود، قواعد پروتکل دوم الحاقی قواعد خاصی از یک درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی قابل اعمال هستند. (درگیری که در قلمرو یکی از دول معظم متعاهد میان نیروهای مسلح آن دولت و نیروهای مسلح شورشی یا دیگر گروه‌های مسلح سازمان یافته رخ می‌دهد و این گروه‌ها تحت مسئولیت یک فرمانده بر بخشی از قلمرو آن دولت چنان کنترلی را اعمال می‌کنند که آنان را به اجرای عملیات نظامی مستمر و هماهنگ و اجرای پروتکل قادر می‌سازد. از سوی دیگر ماده ۳ مشترک، تصریح می‌کند. بر درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی که در قلمرو یکی از دول معظم متعاهد رخ دهد، قابل اعمال است، بدون اینکه به هیچ شرط دیگری اشاره کند و در نتیجه محدوده اعمال آن نیاز به تفسیر دارد. می‌توان استنباط کرد که وضعیت‌های مشمول ماده ۳ مشترک محدود به موارد مذکور در پروتکل دوم الحاقی نیست. (پروتکل، ۲۰۰۸، ۹۰)

د- مسئولیت دولت‌ها

مطالبه غرامت از یک دولت، فرض براین که قربانی نقض حقوق بشردوستانه بین المللی بتواند از یک کشور مطالبه غرامت کند. از ماده ۷۵ اساسنامه دیوان جنایی بین المللی قابل استنباط است. اساسنامه اظهار می‌دارد که دیوان راجع به جبران خسارت قربانیان یاد ارتباط به آنان قواعد کلی از جمله استرداد، غرامت و اعاده و وضع به حالت سابق را مقرر خواهد کرد. براین اساس، دیوان در رای خود می‌تواند بنابر درخواست ذی‌نفع و یا در شرایطی خاصی رأساً، حدود و میزان هرنوع آسیب نقض و یا لطماتی که به مجنی علیه یا قربانی و یا در ارتباط به آن وارد آمده را معین نماید و قواعد کلی را که برپایه آن‌ها عمل نماید بیان خواهد کرد. «هیچ یک از مفاد این ماده نباید به گونه تفسیر شود که به حقوق قربانیان تحت قوانین داخلی و حقوق بین الملل لطمه وارد کند. (اسماعیل نسب، ۱۳۹۲: ۱۳۸)

طبق ماده ۹۱ پروتکل یک الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ طرف‌های مخاصمه‌ای که موازین کنوانسیون‌ها و این پروتکل‌های الحاقی را نقض نمایند، عندالافتضا، ملزم به پرداخت غرامت خواهد بود طرف مذکور در قبال کلیه اعمالی که توسط اشخاصی ارتکاب می‌یابد که بخشی از نیروهای مسلح آن را تشکیل می‌دهند، مسؤول می‌باشند. (آشنایی با حقوق بشردوستانه بین المللی، ۱۳۸۱: ۲۷۹) و طبق قاعده ۱۴۹ قواعد عرفی حقوق بین المللی بشردوستانه، یک دولت مسؤول موارد نقض حقوق بین المللی بشردوستانه‌ای است که بدان قابل انتساب باشد. (حقوق بین المللی بشردوستانه‌ای عرفی، ۱۳۹۱: ۷۹۴)

- نقض‌های که توسط ارگان دولت از جمله نیروهای مسلح آن صورت می‌گیرد.
- نقض‌های که توسط افراد یا نهادهای که توان اعمال بخشی از قدرت دولتی را دارند، ارتکاب می‌یابد.

- نقض‌های توسط افراد یا گروه‌های که در واقع با رهنمای یا به دستور یا کنترل دولت عمل می‌کنند، صورت می‌پذیرد.

- نقض‌های که از سوی افراد یا گروه‌های خصوصی صورت می‌پذیرد و دولت عمل ایشان را به منزله عمل خود مورد تأیید قرار می‌دهد.

و طبق قاعده ۱۵۰ حقوق بشردوستانه عرفی دولت مسئول نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه، موظف است غرامت کاملی برای لطمه یا ضرر وارده بپردازد. (مجله بین‌المللی صلیب سرخ، ۲۰۰۵: ۵۵)

هم چنان، طبق ماده ۳۴۰ کود جزای افغانستان در صورت بروز مخاصمات مسلحانه که جنبه بین‌المللی ندارد، ارتکاب یکی از اعمال ذیل در منازعه مسلحانه، علیه اشخاصی که در منازعات مسلحانه به صورت فعالانه شرکت ندارند. مانند اعضای نیروهای مسلح که دست از جنگ کشیده اند، اشخاصی که به علت بیماری، مجروحیت یا اسارت یا دلایل دیگر از جنگ معذور محسوب می‌شوند، نیز جرم جنگی محسوب می‌شود. (کود جزا، ۱۳۹۶: ۳۴۳)

دوم- مسئولیت در اسناد بین‌المللی

الف- حکم ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مورد جنگ‌های غیر بین

المللی

اصولاً کنوانسیون‌های ژنو، مقررات حقوق بشردوستانه در مورد جنگ‌های بین‌المللی را بیان نموده است و دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها، در صورت درگیر شدن در یک جنگ که جنبه بین‌المللی داشته باشد، موظف به رعایت مقررات مزبور هستند؛ ولی در مورد جنگ‌های داخلی و درگیری دولت با شورشی‌های داخلی، طبقاً قوانین لازم‌الاجرای داخلی کشور و احیاناً تعهدات دولت طبق اسناد بین‌المللی حقوق بشر لازم‌الاجرا است. ولی با وجوب این، یک ماده مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو گنجانیده شده که دولت‌های عضو را ملزم می‌کند؛ حتا در جنگ‌های داخلی یا جنگ‌های که وصف بین‌المللی ندارند نیز حداقل

حقوق انسانی را که در آن ماده شمرده شده، رعایت کنند و حتی صلیب سرخ بین المللی هم بتواند خدمات بشردوستانه خود را ارایه دهد، این ماده مشترک که در هر چهار کنوانسیون وجود دارد و قبلاً نیز به آن اشاره شد، اجمالاً به این شرح است. (مهرپور، ۱۳۹۰، ۲۵۸)

در مورد مخاصمات که وصف بین المللی ندارند و در یک از کشورهای عضو کنوانسیون رخ می دهند، کشور عضو موظف است مقررات زیر را به عنوان حداقل حقوق اجرا نماید: «افرادی که سهم فعال در عملیات جنگی ندارند، از جمله اعضای مسلح که سلاح خود را تحویل داده اند، و کسانی که قدرت جنگیدن را ندارند مانند بیماران، مجروحین و زندانیان، باید در هر حال با آن‌ها به طور انسانی و بدون هیچ نوع تبعیضی بر مبنای نژاد، رنگ، مذهب، یاعقیده، جنس، تولد یا ثروت یا هر وضعیت مشابه دیگر رفتار شود.» به این منظور، اعمال زیر در هر در هر زمان و در هر مکان نسبت به زندگی افراد، فوق الذکر ممنوع است:

۱- تعدی و اعمال خشونت نسبت به زندگی فرد، مخصوصاً قتل از هر نوع، قطع عضو، رفتار خشن و شکنجه؛

۲- گروگان گیری؛

۳- هتک حرمت شخصی مخصوصاً رفتار تحقیرآمیز؛

۴- صدور حکم مجازات و اجرای اعدام بدون محاکمه قبلی و در یک دادگاه که با همه تضمینات قضایی شناخته شده به وسیله ملل متمدن صورت گرفته باشد.

۵- مجروحین و بیماران باید جمع آوری شده و از آن‌ها مراقبت به عمل آید. یک دستگاه بیطرف بشردوستانه مانند کمیته بین المللی صلیب سرخ می تواند خدمات خود را به طرفین درگیر ارایه دهد.

ب- صراحت پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ ژنو

این پروتکل کوتاه تر از پروتکل اول است و مشتمل بر ۲۸ ماده است. و در ارتباط به جنگ‌های داخلی و تبیین و توسعه مفاد ماده سوم مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو تدوین شده است. در بخش دوم این پروتکل در ماده ۴ تحت عنوان رفتار انسانی و تضمینات اساسی

رعایت برخی رفتارها را در جنگ‌های غیر بین المللی لازمی دانسته است. واز جمله، قتل، شکنجه، قطع عضو، مجازات بدنی، مجازات دسته جمعی، گروگان گیری، اعمال تروریستی، هتک حرمت اشخاص، بردگی در هر شکلی آن و تهدید به ارتکاب فوق، ممنوع اعلام شده و مقررات خاصی برای رعایت حال کودکان پیش بینی شده است. (پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ ژنو، ۲۰۱۷، ۹۱)

ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی در زمینه تعقیب جزای و اجرای مجازات علیه متهمین به ارتکاب جرایم جنگی، لزوم تشکیل دادگاه و انجام محاکمه بر اساس ظوابط قانونی و با رعایت تضمینات لازم برای یک محاکمه بیطرفانه و مستقل را یاد آوری می‌نماید. (مهرپور، ۱۳۹۰، ۲۶۴)

ج- ماده ۸ اساس نامه محکمه جنایی بین المللی

در حالت و وقوع نزاع مسلحانه غیر بین المللی، نقض فاحش ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو؛ یعنی هریک از اعمال ارتكابی زیر، برضد اشخاصی که هیچ‌گونه شرکتی فعال در کارهای جنگی ندارند، از جمله افراد نیروهای مسلح که سلاح‌های‌شان را زمین گذاشته اند و کسانی که به سبب بیماری، جراحت، حبس یا هر علت دیگری از شرکت در جنگ ناتوان هستند:

۱- خشونت بر ضد جسم و جان به و یژه قتل از هر نوع، قطع عضو، رفتار بی‌رحمانه و شکنجه.

۲- تجاوز به کرامت انسانی شخص به و یژه رفتار موهن و تحقیر کننده.

۳- گروگان گیری.

۴- صادر کردن احکام و اجرای مجازات‌های اعدام بدون وجود حکم قبلی صادر شده از دادگاهی که به طور قانونی تشکیل شده باشد و تمام تضمین‌های قضایی را که ضرورت آن به طور عام شناخته شده است، تأمین نمایید.

ب- دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیر بین المللی در چهار چوب تعیین شده در حقوق بین الملل، یعنی هریک از اعمال زیر:

- ۱- هدایت عمدی حملات برضد مردم غیر نظامی که در اعمال جنگی شرکت مستقیم ندارند.
- ۲- هدایت عمدی حملات برضد ساختمان‌ها، مواد، واحدها و سایل نقلیه پزشکی و افرادی که نشانه‌های مشخصه مذکور در کنوانسیون‌های ژنو مطابق حقوق بین الملل استفاده می‌کنند.
- ۳- هدایت عمدی حملات برضد کارکنان، تاسیسات، مواد، واحدها و خودروهای که در کمک رسانی بشردوستانه یا مأموریت حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می‌شوند، مادام که آن‌ها شایسته برخورداری از حمایتی هستند که به موجب حقوق بین الملل منازعات مسلحانه به غیر نظامیان یا اهداف غیر نظامی داده شده است.
- ۴- هدایت عمدی حملات برضد ساختمان‌های که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و (نیز برضد) آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های جمع بیماران و زخمی‌ها مشروط بر آن که مکان‌ها اهداف نظامی نباشند.
- ۵- غارت شهر، یا محلی گرچه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد.
- ۶- ارتکاب تجاوز جنسی (بردگی جنسی) اجبار به فحشای جنسی، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری یا هر شکلی دیگری از اشکال خشونت جنسی نیز که موجب نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو می‌شود.
- ۷- بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر سن ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح یا به کارگرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی.
- ۸- صدور دستور جا بجای اهالی غیر نظامی به دلایل مربوط به نزاع، مگر آن که امنیت غیر نظامیان مورد نظر با دلایل الزام‌آور نظامی چنین اقتضا کند.
- ۹- خایانه کشتن یا زخمی کردن رزمنده دشمن.
- ۱۰- اعلان این مطلب که به احدی رحم نخواهد شد. (احدی در قید حیات نخواهد ماند)

۱۱- در معرض نقض بدنی یا هرنوع آزمایش پزشکی یا علمی قراردادن اشخاصی که تحت سلطه طرف دیگر هستند به طوری که نه درمان پزشکی، دندان پزشکی یا بیمارستانی شخص مورد نظر آن را توجیه می‌کند و نه در جهت منفعت وی صورت می‌گیرد و موجب مرگ یا خطر جدی برای آن شخص یا اشخاص می‌شود. (هدفمند، ۱۳۹۲: ۲۷۶)

۱۲- تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آن که ضرورت‌های جنگ چنین تخریب یا ضبط اموال را ایجاب نماید. این همه موارد فوق صرف بر منازعات مسلحانه غیر بین المللی قابل اجرا است. بر همین اساس شامل حالت‌های آشوب و تنش‌های داخلی هم‌چون و ن‌شورش‌ها و اعمال خشونت‌آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نمی‌شود. این مقررات در مورد منازعات قابل اجرا است که در قلمرو دولتی اتفاق می‌افتد که منازعات مسلحانه طولانی مدت میان نیروهای حکومت و گروه‌های مسلح سازمان یافته یا میان چنین گروه‌های وجود دارد. (ساعد، ۱۳۹۴، ۱۱۴۸)

نتیجه‌گیری

نتیجه به دست آمده از این بحث این است که اسناد بین المللی حقوق بشردوستانه راجع به مسئولیت نقض حقوق بشردوستانه در جنگ‌های داخلی در سطح دولتی، فرمان‌دهی، وفردی صراحت داشته و اشخاص از لحاظ کیفری برای نقض مقررات بشردوستانه بین المللی که در طی مخاصمات غیر بین المللی ارتکاب می‌یابد مسؤول قلمداد می‌شوند. ماده ۳ مشترک، کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو بیان می‌کند. در درگیری که در قلمرو یکی از دول معظم متعاهد میان نیروهای مسلح آن دولت و نیروهای مسلح شورشی یا دیگر گروه‌های مسلح سازمان یافته رخ می‌دهد و این گروه‌ها تحت مسئولیت یک فرمانده بر بخشی از قلمرو آن دولت چنان کنترلی را اعمال می‌کنند که آنان را به اجرای عملیات نظامی مستمر و هماهنگ و اجرای پروتکل قادر می‌سازد. نقض فاحش ماده ۳ مشترک، کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو روی دهد، مسئولیت جزای، قابل اعمال است.

هم چنان در درگیری‌های مسلحانه غیر بین المللی نقض قواعد حقوق بشردوستانه توسط حکومت قانونی یا گروه‌های مسلح مخالف حکومت قانونی ممکن است صورت گیرد. در حالت اول، مسئولیت متوجه کشور درگیری یا آشوب‌زده است؛ اما در حالت دوم، کشور مربوط مسئولیتی ندارد، مگر آنکه حکومت قانونی مراقبت کافی برای جلوگیری از نقض آن قواعد به عمل نیاورده و یا ناقضان را سرکوب و مجازات نکرده باشد و یا به آنان صلح نموده یا آن‌ها را در حکومت شریک کند و یا محکومان را مورد عفو قرار دهد.

با وجود این، چنانچه گروه‌های مسلح مخالف بر حکومت قانونی پیروز گردند یا به عنوان حکومت جدید جانشین حکومت قانونی پیشین شوند و بتوانند اقتدار حاکمیتی خود را به تمام یا بخشی از قلمرو کشور مربوط اعمال نمایند، در این صورت چنین حکومتی مثل کلیه اعمال ناقض حقوق بشردوستانه ارتکاب گذشته اعضای خود و حتا اعمال متخلفانه قابل انتساب به حکومت شکست خورده می‌باشد. ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی در زمینه تعقیب جزای و اجرای مجازات علیه متهمین به ارتکاب جرایم جنگی، لزوم تشکیل دادگاه و انجام محاکمه براساس ظوابط قانونی و با رعایت تضمینات لازم برای یک محاکمه بی طرفانه و مستقل را یادآوری می‌نماید.

- ماده ۳۸ اساسنامه محکمه جنایی بین المللی راجع به مسئولیت چنین صراحت دارد: «فرماندهان نظامی، مسوؤل خشونت‌های خو اهند بود که توسط نیروهای تحت فرمان‌شان انجام می‌گیرد. شرط مسئولیت فرمان‌دهی، آن است که فرمان‌دهان از نتایج جرایم، آگاه یا در شرایطی باشند که امکان آگاهی یافتن از عمل‌کرد غیر قانونی زیردستان‌شان برای آنان میسر باشد؛ اما برای توقف این گونه اقدامات و یا مجازات مجرمان، اقدامی نکنند.

علاوه از موارد فوق، حقوق دانان هم معتقد اند که گروه‌های مسلح مخالف طبق حقوق بین الملل عرفی باید به حقوق بشردوستانه احترام گذارند و تحت فرمان یک فرمانده مسئول عمل کنند؛ لذا می‌توان گفت که آنان در قبال اقدامات اشخاصی که بخشی از این گروه‌ها شناخته می‌شوند، مسئولیت دارند.

طبق قاعده ۱۴۹ قواعد عرفی حقوق بین المللی بشردوستانه، یک دولت مسؤول موارد نقض حقوق بین المللی بشردوستانه‌ای است که بدان قابل انتساب باشد. طبق قاعده ۱۵۱ حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی، افرادی که جنایت جنگی مرتکب می‌شوند، مسؤولیت کیفری دارند. طبق قاعده ۱۵۲ حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، فرمان‌دهان و سایر افراد مافوق برای جنایات جنگی که در پی دستور آن‌ها ارتکاب می‌یابد، مسؤولیت کیفری دارند. طبق قاعده ۱۵۳ حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی فرمان‌دهان و دیگر افراد مافوق در مقابل جنایات جنگی که توسط زیردستان آن‌ها واقع شده است؛ چنانچه آگاهی داشته یا دلیل بر آگاهی آن‌ها و جود داشته که زیردستان‌شان در شرف ارتکاب یا در حال انجام این گونه جنایت بوده‌اند و هرگونه اقدامات منطقی و لازمی را که در حیطه قدرت‌شان بوده برای جلوگیری از این جنایات انجام نداده‌اند، یا اگر چنین جنایتی واقع شده و اشخاص مسؤول را مجازات نکرده‌اند، مسؤولیت کیفری برعهده دارند.

همان طوری که دادگاه جزای بین المللی برای یوگوسلاوی سابق اعلام می‌کند، آنچه در مخاصمات مسلحانه بین المللی غیر انسانی و ممنوع است، نمی‌تواند در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی، انسانی و قابل قبول تلقی شود. به نظر می‌رسد که اصول مربوط به مخاصمات مسلحانه بین المللی قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی می‌باشد. پس براین اساس می‌توان بیش از پیش امیدوار بود که مرتکبین جرایم مربوط به مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی دیگر نتوانند بی کیفر بمانند.

علاوه از اسناد معتبر بین المللی قوانین داخلی کشورها هم راجع به مسؤولیت نقض حقوق بشردوستانه صراحت دارند. چنانچه نظام حقوقی افغانستان درکود جزای سال ۱۳۹۶ در ماده ۳۴۰ جنایت جنگی در جنگ‌های غیر بین المللی، جرم‌انگاری نموده و برای مسببین آن مجازات‌های را پیشبینی نموده است.

سرچشمه‌ها

- اسماعیل نسب، حسین (۱۳۹۳) مجموعه مهم‌ترین اسناد کاربردی حقوق بین الملل، تهران: جاودانه.
- آشنایی با حقوق بشردوستانه بین المللی (۱۳۸۱) تالیف کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران.
- الیاسی، محمدقاسم (۱۳۹۹) حقوق بین المللی بشردوستانه.
- بیگ دلی، محمدرضا ضیایی (۱۳۹۲) حقوق بین المللی بشردوستانه، تهران: کمیته بین المللی صلیب سرخ.
- پرو تکل‌های علاوه شده بر میثاق‌های ۱۹۴۹ ژنیو (۲۰۰۸) کابل: کمیته بین المللی صلیب سرخ.
- جلالی، غلام رضا (۱۳۹۲) اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه، انتشارات قدس رضوی.
- حیدری، مختارحسین (۱۳۹۹) حقوق بشر، کابل: نشر وازه.
- پیری، حیدر؛ دهقانی، پریسا (۱۳۹۷) رهیافت‌های مختلف حقوق نیو روابط ب الملل نسبت به مفهوم منافع ملی، «مجله پژوهش‌های علمی»، شماره ۳۴، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- ۸- حسین مهر پور (۱۳۹۰) نظام بین المللی حقوق بشر، تهران: انتشارات اطلاعات،
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۸) مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، تهران: نشر میزان.
- رابرتسون، جفری (۱۳۸۳) جنایت علیه بشریت، گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم رضوی زیر نظر حسین میرمحمد صادقی چاپ اول.
- ساعد، نادر (۱۳۹۴) اسناد حقوق بین الملل بشردوستانه، تهران: ناشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.

۱۳۴ / مجله علمی - دعوت / سال چهارم، شماره نهم خزان و زمستان ۱۴۰۲ هـ ش ۱۴۴۵ هـ ق

- قوام آبادی، محمد حسین رمضانی (۱۳۸۹) نقش کمیته بین المللی صلیب سرخ در تدوین و اجرای حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی، تهران.
- کو د جزا افغانستان و زارت عدلیه، کابل (۱۳۹۶).
- ممتاز، جمشید و امیر حسین رنجریان (۱۳۹۳) حقوق بین الملل بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، چاپ چهارم، نشر میزان.
- نگین، شفیعی بافتی؛ سیدعلی، هنجی (۱۳۹۲) ابعاد حقوقی بین المللی مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی، تهران: کمیته ملی حقوق بشردوستانه، نشر میزان.
- نواده تو پچی، حسین (۱۳۹۳) حقوق جنگ و مخاصمات مسلحانه، تهران: خرسندی.
- هنکرتز، ژان ماری (۱۳۹۱) و لویس دوسوالدبک، حقوق بشردوستانه ای عرفی، کمیته بین المللی صلیب سرخ، چاپ دوم انتشارات مجد.
- هدفمند، شیرجان (۱۳۹۲) حقوق منازعات، مسلحانه، کابل انتشارات میو ند.
- هنکرتز، ژان ماری (۲۰۰۵) مجله بین المللی صلیب سرخ، پژوهشی بر حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، تهران.